

نقش «نور» به عنوان جوهر هستی در معماری ایرانی؛ فراتر از کارکرد

۱۲ آذر ۱۴۰۴ | سکرو

«خورشید نمی‌دانست چقدر باشکوه است تا آن لحظه‌ای که بر دیواری تابید.»

این جمله، تنها یک تصویر شاعرانه نیست؛ بلکه خلاصه‌ای از بینشی است که در عمق سنت معماری ایرانی ریشه دارد. در این سنت، دیوار صرفاً مرز میان فضای بیرون و درون نیست، بلکه **پرده‌ای برای ظهور نور** است؛ جایی که روشنایی، از یک پدیده طبیعی، به حقیقتی معنوی تبدیل می‌شود و حضور خود را بر کالبد بنا حک می‌کند.

در معماری ایرانی، نور نقطه آغاز آفرینش فضا است.

از سایه‌روشن دالان‌های خشتی،

از تلالؤ شیشه‌های رنگین ارسی،

و از نورگیر گنبدهایی که همچون چشمی آسمانی بر زمین می‌تابند،

همگی شاهدهی هستند بر اینکه معماری این سرزمین، نور را نه به عنوان یک عامل فنی، بلکه به مثابه **جوهره معنا** به کار می‌گیرد.

هرگاه نور بر دیوار می‌نشیند، فضا معنا پیدا می‌کند؛

و معمار ایرانی این حقیقت را قرن‌ها پیش دریافته بود:

ساختمان تنها یک ساختار استوار نیست؛ بلکه تفسیرگر خورشید است.

در حالی که در معماری معاصر جهان، نور اغلب به عنوان یک ابزار عملکردی و قابل اندازه‌گیری تعریف می‌شود، در معماری ایرانی نور خود «موضوع» است. روشنایی، نماد هستی و تجلی امر قدسی است؛ نوری که بر ماده می‌تابد تا آن را از سطح مادیت فراتر برد.

این مقاله در **سکرو**، به بررسی جایگاه نور در [معماری ایرانی](#) می‌پردازد؛

سفری به دنیای فوتون‌هایی که در دالان‌ها، گنبدها و ارسی‌ها به رقص درمی‌آیند

و فضایی را می‌آفرینند که نه تنها دیده می‌شود،

بلکه **احساس و درک** می‌گردد.

تیم طراحی سکرو با تسلط بر اصول هندسه نور در معماری ایرانی، فضاهایی خلق می‌کند که روح‌نواز و ماندگارند. برای

مشاوره تخصصی و آموزش، همین حالا با ما در ارتباط باشید:

[پیام در واتس‌آپ](#)

[پیام در تلگرام](#)



نور در معماری ایرانی

نور؛ از فیزیک تا متافیزیک

در حکمت ایرانی (به‌ویژه حکمت اشراق سهروردی)، خداوند "نور الانوار" نامیده می‌شود. هستی، چیزی جز مراتب تابش این نور نیست. هر چه جسمی شفاف‌تر باشد، به حقیقت نزدیک‌تر است و هر چه کدرتر، زمین‌تر. معمار ایرانی با آگاهی از این حکمت، تلاش می‌کند تا جرم سنگین آجر و سنگ را با نور "استحاله" کند. او می‌خواهد ماده را سبک کند. وقتی نور از روزنه‌های سقف بازار یا گنبد مسجد وارد می‌شود، گویی آسمان به زمین نفوذ کرده است. در اینجا، نور دیگر فقط برای "دیدن" اشیاء نیست، بلکه برای "درک" حضور است.

کیمیای تبدیل نور؛ مدیریت شدت و کیفیت

خورشید ایران، سوزان، تند و بی‌رحم است. هنر معمار ایرانی در "رام کردن" این نور وحشی است. او نور مستقیم و آزاردهنده بیرون را می‌گیرد و آن را در داخل بنا به نوری نرم، عرفانی و آرامش‌بخش تبدیل می‌کند. این فرآیند از طریق ابزارهای هوشمندانه‌ای انجام می‌شود:

- **فخر و مدین:** روزنه‌های مشبک آجری یا سفالی که شدت نور را می‌شکنند و آن را به لکه‌های نوری تقسیم می‌کنند.
- **ساباط و سایه‌بان‌ها:** که با ایجاد سایه‌های عمیق، چشم را برای ورود به فضای پرنور آماده می‌کنند تا خیرگی (Glare) اتفاق نیفتد.



فخر و مدین؛ شکستن شدت نور و تبدیل آن به سایه‌های آرام‌بخش.

شیشه‌های رنگی؛ نقاشی با نور (ارسی)

اوج هنرنمایی نور در پنجره‌های **ارسی** دیده می‌شود. جایی که نور سفید و بی‌رنگ خورشید، با عبور از شیشه‌های رنگی، تجزیه می‌شود و طیفی از رنگ‌های رنگین‌کمان را روی فرش‌های ایرانی پهن می‌کند. این تکنیک دو کارکرد دارد:

1. **کارکرد روانی:** رنگ‌های گرم و سرد، تأثیر مستقیمی بر آرامش اعصاب ساکنین دارند.
2. **دفع حشرات:** تحقیقات نشان داده که طیف نوری خاص شیشه‌های رنگی قدیمی، دافع حشرات مزاحم در مناطق کویری بوده است. اما فراتر از این‌ها، ایستادن در مقابل یک ارسی هنگام ظهر، تجربه‌ای شبیه به غرق شدن در بارانی از جواهرات است.



ارسی؛ نقاشی با نور و رنگ برای خلق فضایی رویایی و دفع حشرات.

آینه کاری؛ تکثیر نور و امحای ماده

چرا در زیارتگاه‌ها و کاخ‌های ایرانی از آینه کاری استفاده می‌شود؟ آیا فقط برای تجمل است؟ پاسخ منفی است. در تفکر عرفانی، مومن باید مانند آینه باشد؛ صاف و صیقلی تا نور حق را منعکس کند. در معماری، قطعات کوچک آینه که با زوایای مختلف کنار هم چیده شده‌اند (جام)، تصویر واحد را می‌شکنند و هزاران بار تکثیر می‌کنند. نتیجه این است که دیوارها و سقف‌ها ناپدید می‌شوند. شما دیگر "سقف" را نمی‌بینید، بلکه فضایی درخشان و بی‌انتها را می‌بینید که مرزهای فیزیکی آن گم شده است. این اوج "ماده‌زدایی" در معماری است.



آینه کاری؛ امحای ماده و تکثیر نور برای رسیدن به بی‌نهایت.

هندسه نور؛ مقرنس و کاربندی

نور به سطوح صاف می‌تابد و بازتاب می‌شود، اما وقتی به **مقرنس** می‌تابد، اتفاق عجیبی می‌افتد. مقرنس‌ها با فرم‌های قندیل‌مانند و تودرتوی خود، نور را "گیر می‌اندازند". سایه و روشن‌های ایجاد شده در طبقات مقرنس، باعث می‌شود سقف در نظر بیننده متحرک و زنده به نظر برسد. در طول روز، با حرکت خورشید، شکل سایه‌ها در مقرنس تغییر می‌کند و گویی بنا در حال تنفس است. این بازی هندسی، نور را از یک پدیده خطی به یک حجم سه‌بعدی تبدیل می‌کند.



مقرنس؛ دام‌هایی برای نور که سقف را زنده و متحرک نشان می‌دهند.

تضاد (Contrast)؛ ستایش تاریکی برای درک روشنایی

در معماری مدرن، استاندارد روشنایی (Lighting Standard) حکم می‌کند که همه جای اتاق یکنواخت روشن باشد (لوکس نوری ثابت). این رویکرد، فضا را تخت و کسل‌کننده می‌کند. معماری ایرانی اما عاشق سایه است. معماران می‌دانستند که "قدر نور را کسی می‌داند که تاریکی را چشیده باشد." در شبستان‌های مساجد یا دالان‌های ورودی، فضا عمداً نیمه‌تاریک نگه داشته می‌شود تا وقتی باریکه‌ای از نور (مثلاً از جام‌خانه سقف) به داخل می‌تابد، آن باریکه مقدس، الهی و ارزشمند جلوه کند. این دراماتیک‌ترین استفاده از نور در تاریخ معماری جهان است.



ستایش تاریکی؛ استفاده از سایه برای برجسته‌کردن ارزش و قداست نور.

نتیجه‌گیری: نور، مصالحی که نمی‌توان خرید

امروزه ما لامپ‌های LED با CRI بالا و سیستم‌های هوشمند نوری داریم، اما چرا حس فضاهای قدیمی را نداریم؟ چون ما نور را "مصرف" می‌کنیم، اما گذشتگان ما نور را "پرستش" می‌کردند. معماری ایرانی باور دارند که جانمایی دیوارها باید تابع مسیر حرکت خورشید باشد، نه برعکس. باید بدانیم که نور، ارزان‌ترین و در عین حال گران‌بهاترین مصالح ساختمانی است.

احیای این نگاه در معماری معاصر، به معنای بازگرداندن "روح" به ساختمان‌های بی‌جان شهرهایمان است.

تیم طراحی سکرو با تسلط بر اصول هندسه نور در معماری ایرانی، فضاهایی خلق می‌کند که روح‌نواز و ماندگارند. برای مشاوره تخصصی و آموزش، همین حالا با ما در ارتباط باشید:

[پیام در واتس آپ](#)

[پیام در تلگرام](#)

[Youtube Instagram Whatsapp Telegram Pinterest](#)

برای دانلود نسخه PDF این مقاله باید ثبت‌نام یا وارد حساب کاربری شوید.

[ورود / ثبت‌نام](#)